

بررسی سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه ۲۰۱۷-۲۰۱۶

محسن عزتی^۱

چکیده

مواضع روسیه در قبال انقلاب‌های عربی شاهد تغییرات گسترده‌ای بود. همین موضوع سطح منافع و نقش مورد توجه روسیه در منطقه خاورمیانه و ماهیت تعامل این کشور با متغیرات و حوادث بوجود آمده در نتیجه این انقلاب‌ها را نشان می‌دهد. مواضع روسیه نسبت به انقلاب‌های عربی همراه با ملاحظه کاری نسبی و تفکر زیاد بود که به کندی در واکنش نشان دادن این کشور منتهی شد. این پژوهش با هدف بررسی سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و اطلاعات لازم از مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری شده است. بنابراین سوال اصلی این تحقیق بدین گونه مطرح می‌شود که، مهم‌ترین استراتژی‌هایی که روسیه برای سیاست خارجی خود در بحران سوریه برای تامین منافع ملی اتخاذ کرد چیست؟ یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد که، به نظر می‌رسد تامین امنیت مرزهای روسیه از طریق مبارزه با نیروهای معارض و تروریست‌های موجود در سوریه، مبارزه با یکجانبه‌گرایی آمریکا، تامین منافع تجاری-اقتصادی، و تامین امنیت انرژی و ارتقای جایگاه بین‌المللی از جمله مهم‌ترین استراتژی‌های اتخاذ شده مسکو در بحران سوریه باشد.

کلید واژه: سیاست خارجی روسیه، بحران سوریه، نیروهای تروریستی، یکجانبه‌گرایی آمریکا، منافع اقتصادی-تجاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. فارغ التحصیل ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان، m.ezati@gmail.com

مقدمه

تحولات سیاسی در قالب انقلاب‌ها، اعتراض‌ها و خیزش‌های گسترده که از شمال آفریقا از سال ۲۰۱۰ شروع گردید به صورت دومینووار تداوم پیدا کرد و در خاورمیانه به کشورهایی مانند سوریه نیز تسری یافت؛ ولی برخلاف نمونه‌های شمال آفریقا (مصر، تونس و لیبی) در خاورمیانه و در کشورهایی مانند بحرین و سوریه، وضعیت متفاوتی یافت. اگرچه در سه کشور شمال آفریقا، حاکمان یا بر اثر اعتراض‌های خشونت بار داخلی و یا با مداخله قدرت‌های خارجی سقوط کردند ولی در مرحله تسری به کشورهایی مانند سوریه وضعیت متفاوتی شکل گرفت. از یک سو، اعتراضات داخلی به حدی نرسید که بتواند خود موجب تغییر رژیم حاکم شود و از سوی دیگر قدرت‌های خارجی نیز نتوانستند بار دیگر به بهانه‌های مختلف زمینه دخالت مستقیم و براندازی را عملی سازند (زرگر، ۱۳۹۲: ۵۴). این مسئله باعث شد که روسیه در اوایل بحران یک موضع منفعلانه را در پیش بگیرد. چرا که آمریکا به عنوان مهم‌ترین رقیب مسکو در منطقه خاورمیانه در اوایل بحران سوریه نیز مانند روسیه یک موضع بی‌طرفانه را برای دستگاه سیاست خارجی خود اتخاذ کرد. زیرا رئیس‌جمهوری این کشور باراک اوباما با دخالت مستقیم و حمله نظامی به این کشور مخالفت کرد و این هدف را در چارچوب تحریم‌های بین‌المللی به بهانه استفاده کردن از سلاح شیمیایی دنبال کرد. اما با قدرت گرفتن تکفیری‌ها در سوریه موضع خود را تغییر داد و همانگونه که مطرح شد به استفاده کردن از سلاح شیمیایی توسط دولت سوریه در صدد برآمد که با توجه به موافقت شورای امنیت به این کشور حمله کند. در این زمان بود که روسیه با این موضوع مخالفت کرده و حمایت خود را از دولت سوریه با وتوی قطعنامه ضد سوری به همراه چین اعلام کرد. همچنین استفاده کردن از نیروی نظامی علیه کشور مستقل را خلاف قانون بین‌المللی دانست. و این مسئله زمینه ورود مسکو را به این بحران فراهم کرد. چرا که با روی کار آمدن یک دولت دست‌نشانده غرب منافع روسیه به صورت همه‌جانبه با مشکل جدی مواجه می‌شد (کولایی و سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۲۳).

دولت سوریه نیز در مقابل این تنش‌ها و رقابت‌های مذکور از دولت روسیه درخواست دخالت نظامی در این بحران را صادر کرد. لذا سوالی که نویسندگان در این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به آن می‌باشند بدینگونه مطرح می‌شود، مهم‌ترین استراتژی‌هایی که روسیه برای سیاست خارجی خود در بحران سوریه برای تامین منافع ملی اتخاذ کرد چیست؟ یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد که، به نظر می‌رسد تامین امنیت مرزهای روسیه از طریق مبارزه با نیروهای معارض و تروریست‌های موجود در سوریه، مبارزه با یکجانبه‌گرایی آمریکا، تامین منافع تجاری-اقتصادی، و تامین امنیت انرژی از جمله مهم‌ترین استراتژی اتخاذ شده مسکو در بحران سوریه باشد. برای رسیدن به یافته‌های مذکور در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. لذا اطلاعات لازم نیز از کتب مقالات و منابع

اینترنتی جمع‌آوری شده است. با بررسی‌های لازم و آکادمیک در این زمینه می‌توانیم هر کدام از کشورهای که در خاورمیانه دارای منافع هستند و برای رسیدن به اهداف خود از هرگونه اقدامات استفاده می‌کنند، را شناسایی کنیم.

در این مورد تحقیق‌های زیادی انجام شده است. لذا مهم‌ترین این پژوهش‌ها، مقاله‌ای است تحت عنوان «علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه»، توسط کولای و سلطانی نژاد (۱۳۹۵) انجام شده است، نویسندگان در این تحقیق به بررسی سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه پرداخته‌اند و به نتیجه مشابهی با تحقیق حاضر دست یافته‌اند. تحقیق دیگر تحت عنوان «تغییر رویکرد پوتین در سیاست خارجی نوین روسیه»، توسط آقایان ابوالحسن شیرازی حبیب‌الله، بهبودی نژاد قدرت‌الله (۱۳۹۵)، انجام گرفته و نویسندگان در این تحقیق به رویکرد ولادیمیر پوتین و راهبرد آن برای سیاست خارجی روسیه پرداخته‌اند. تحقیق دیگر در این مورد پژوهشی است تحت عنوان «الگوهای رفتاری روسیه و آمریکا در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، مطالعه موردی بحران سوریه»، که توسط آقایان هدایتی شهیدانی، مهدی و پینکفستف، رمان ولادیمیریچ (۱۳۹۴)، انجام شده و نویسندگان در این مقاله به بررسی سیاست خارجی دو کشور آمریکا و روسیه در بحران سوریه به شکل تطبیقی پرداخته‌اند. این پژوهش از سه قسمت چکیده، مقدمه، و مطالب اصلی تشکیل شده و در ادامه به مهم‌ترین اهداف و راهبردهایی که روسیه در بحران سوریه در صدد دستیابی به آن‌ها است پرداخته می‌شود.

مهم‌ترین استراتژی‌های اتخاذ شده روسیه در بحران سوریه عبارتند از:

۱- صیانت از منافع اقتصادی - تجاری

با وجود تحریم‌هایی که از طرف کشورهای غربی به خصوص آمریکا و اتحادیه اروپا بر کرملین تحمیل شده است، مسکو امیدوار است با بهره‌برداری از عقب‌نشینی ایالات متحده آمریکا از خاورمیانه در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما، نفوذ خود در این منطقه را که چندین دهه است تحت نفوذ آمریکا قرار دارد گسترش دهد. و با شروع بحران سوریه و حمایت‌های همه‌جانبه‌ای که از دمشق با عمل آورد این امکان را به مسکو داد که خود را بار دیگر به‌عنوان یک قدرت بزرگ در مقیاس جهانی معرفی کند و این برنامه را عملی‌تر کند (Shafiq Alam, 2017). لذا آنچه روسیه در منطقه خاورمیانه و به ویژه در سوریه در صدد تامین آن است رسیدن به منافع تجاری و اقتصادی می‌باشد. منافع اقتصادی و تامین امنیت آن برای مسکو از مناطق مختلف به ویژه از خاورمیانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روسیه به گزارش رسانه‌های این کشور چیزی در حدود ۲۰ میلیارد دلار در این کشور در زمینه‌های انرژی، نفت، گاز، برنامه هسته‌ای، و در زمینه گردشگری سرمایه‌گذاری کرده، که با سقوط

دولت فعلی سوریه و روی کارآمدن یک دولت همخوان به غرب در این کشور این منافع مهم برای روسیه با خطر جدی مواجه است و یا به عبارتی آن‌ها را از دست می‌دهد (Bjorn, 2016). به همین خاطر است که روسیه امروزی دلیل حمایت خود را از رژیم اسد تنها تجارت اسلحه نمی‌داند اما باید توجه داشت که میزان تجارت به این کشور به ارزش میلیاردها دلار و این رقم نیز برای اقتصاد روسیه بسیار مهم است. تا این که خود را یک ابر قدرت مثل آمریکا معرفی کند و به هر جا که بخواهد تجارت اسلحه می‌کند و هر جا هم که لازم داشته باشد نفوذ می‌کند (Rosenberg, 2017). و برای رسیدن به این مهم کرملین به دنبال گسترش نفوذ خود در شبه جزیره اوکراین و دسترسی بیشتر به آب‌های آزاد مدیترانه برآمد. و از تغییرات رژیم در این مناطق که همسو با غرب باشند جلوگیری می‌کند. حمایت‌هایی که امروزه از رئیس جمهور اسد انجام می‌دهد بدان خاطر هم می‌تواند باشد که دولت فعلی و حاکم در دمشق دسترسی مسکو به این مهم را تسهیل تر و آسان تر می‌کند و از این طریق نیز از منافع‌های خود در منطقه محافظت کرده و با آزاد کردن مناطق مهم این کشور از دست تروریست‌ها همچون حلب باعث ایجاد امنیت منافع اقتصادی خود در این کشور و همچنین باعث افزایش نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خود شد. و در ادامه این اقدامات نیز می‌تواند با همکاری‌های همه جانبه و مختلفی که با کشورهای منطقه برقرار کرده است به دامنه نفوذ خود گسترش داده که نمونه آن را در قرارداد گازی با ترکیه "ترکاستریم" بعد از حمله ترکیه به جت روس و برقراری مجدد ارتباطات بین طرفین و همچنین گسترش ارتباط دیپلماسی با مصر و اردن مشاهده کرد (Abouzahr & Itani, 2016). روند فوق و همچنین روند مناسبات اقتصادی روسیه با سوریه در زمینه‌های مختلف و افزایش چشمگیر این مناسبات بعد از شروع بحران سوریه نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی ذکر شده در مطالب قبلی و سود ناشی از مناسبات اقتصادی با سوریه بعد از مناسبات امنیتی و سیاسی یکی از عوامل مهم حضور روسیه در بحران سوریه است و دولت روسیه همواره تلاش دارد با تقویت دولت مرکزی سوریه در مقابل مخالفانی که رابطه خوبی با دولت روسیه ندارند و ایجاد یک ائتلاف با کشورهای همسو با سیاست خارجی خود در منطقه هم نفوذ خود را به عنوان یک ابر قدرت گسترش دهد و هم این که منافع اقتصادی خود را حفظ کند.

برای توضیح ارتباط بین سوریه و روسیه در زمینه انرژی باید گفت با وجود جنگ داخلی در این کشور بسیاری از معادن سوریه در اختیار گروه‌های تکفیری و با توسعه جنگ به این معادن ضربه‌های زیادی وارد شده است. اما با توجه به بیانات مقامات روسی همچون سرگئی گاوریلوف آدمشک به یکی از شرکای مهم در زمینه انرژی با روسیه است (Litvina, 2017). همچنین از آنجا که خاورمیانه و

1. Trkastrym

2. Sergey Gavrillov

شمال آفریقا سرشار از انرژی‌های فسیلی است روسیه به دنبال همکاری‌های مختلف در زمینه انرژی است. مسکو از طریق شرکت‌هایی چون روسنفت و سایر شرکت‌های خود سعی در گسترش نفوذ خود به این مناطق را دارد. امروزه با ایجاد قراردادهای مختلف با این کشورها در صدد عملی کردن این مهم است. به عنوان نمونه شرکت روسنفت^۱ با ایجاد قراردادهای مهمی با کشورهایی چون مصر در زمینه عرضه گاز مایع سعی در توسعه همکاری طرفین کرده و همچنین با ادامه این فعالیت‌ها در عراق به خصوص با اقلیم کردستان که برای صادرات و واردات انرژی با حکومت مرکزی عراق اختلاف نظر دارد و از طریق این شرکت‌های روسی توانسته یک راه جدیدی برای صادرات انرژی ایجاد کند و طرفین با ایجاد این همکاری عرضه انرژی خود را تسهیل گردانند. با توجه به درگیری‌های داخلی که در این کشورها وجود دارد مسکو در صدد است که ردپایی برای خود در این کشورهای بعد از تمام شدن جنگ داخلی ایجاد کند (Calcuttawala,2017).

البته در این زمینه مسکو قبل از قراردادهای مذکور در مطالب پیشین، در زمینه انرژی به ویژه گاز به دمشق قراردادهایی را امضا کرده است. به عنوان نمونه در دسامبر سال ۲۰۱۲ شرکت دیگری به نام "استروترانس انرژی" نیز وارد معامله با دمشق شد. این شرکت به عنوان تابع شرکت "گاز پروم"، ۳۱۹ کیلومتر از خط لوله بخش گازی اعراب در مسیر رهاب حمص را ساخته است (Adomains,Mark,2013).

۲- دامنه فعالیت تکفیری‌ها و نگرانی مسکو

با توجه به عضوگیری داعش از کشورهای مختلف به خصوص از کشورهای متولد شده شوروی سابق همچون قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و..... نیروهای زیادی از این کشورها که عموماً جز گروه‌های جدایی طلب شوروی یا چین هستند به این گروه پیوستند و اغلب در این گروه تروریستی جزء سرکرده‌های آن‌ها به شمار می‌روند برای نمونه می‌توان از "ترخان" معروف به عمر چین نام برد. اما لازم به ذکر است که با مهاجرت این افراد از روسیه و پیوستن به این گروه میزان عملیات‌های تروریستی در این کشور کاهش یافته است و اکنون مسکو درگیری‌های خود را با این گروه‌ها به خارج از مرزهای خود به ویژه سوریه انتقال داده است اما با بازگشت این گروه‌ها به کشور خود که تجربه‌های زیادی در زمینه عملیات‌های تروریستی و چریکی دارند برای روسیه و مرزهای آن می‌تواند مشکل آفرین باشد و امنیت جمهوری‌های سابق شوروی را با خطری جدی مواجه کند (Shuster,2016). با اضافه شدن این افراد روند فعالیت‌های این گروه تروریستی- تکفیری در خارومیانه از سال ۲۰۱۰ رو به فزونی رفته که معرف چنین الگوی رفتاری خشن و خطرناک و عملیات‌های تروریستی این

گروه‌های داعش و جبهه النصره هستند که با تصرف بخش‌های وسیعی از مناطق سرزمینی در عراق و سوریه، موجودیت قلمرویی یافته‌اند و داعیه برقراری نظام خلافتی را در سر می‌پرورانند.

با پیوستن گروه‌های فوق جنگجویان خارجی زیادی را از مناطق دیگر جهان به سوی خود گسیل داشته و نظام بین الملل شاهد موج سترگ از جنگجویان خارجی به این سازمان‌های تروریستی است که با آغاز بیداری اسلامی در جهان عرب و تبدیل آن به جنگ داخلی در سوریه، بسیج شتابان و گسترده‌ای را در تاریخ جنبش‌های جهادی مدرن رقم زده است؛ به گونه‌ای که در کمتر از دو سال، سوریه به مقصدی ممتاز و آوردگاهی برجسته برای جهادگرایان جهانی تبدیل شده است (کریمی مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۵۶). این گروه‌های اضافه شده به تکفیری جهادی برای مسکو تهدیدهای قابل توجهی می‌تواند داشته باشد زیرا که، آغاز ماه مارس ۲۰۱۶ با توجه به این که نیروهای داعش با از دست دادن موقعیت خود در میدان نبرد و تحمل رنج قابل توجه تلفات و تضعیف قابلیت نظامی در موقعیت دفاعی قرار گرفته‌اند و ظرفیت نظامی داعش در اثر مجموعه‌ای از شکست‌ها در میدان نبرد تضعیف شده است، برخی از پیکارجویان چپنی نام برده در مطالب فوق که به اصطلاح جهادگران خلافت نامیده می‌شوند در حال بازگشت مخفیانه به آسیای مرکزی و جمهوری‌های سابق شوروی هستند. همانگونه که مطرح شد با بازگشت این پیکارجویان زخمی و زخم خورده به این کشورها، میزان تهدیدهای تروریستی برای مسکو و همسایه‌های آن افزایش یافته و به یک معضل امنیتی تبدیل می‌شود (دهشیری و جوزانی کهن، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴).

نگرانی مسکو از توسعه جریان‌های اسلام‌گرایی و توسعه آن به مرزهای جنوبی روسیه واقعیت دارد، مسکو نگران بازتاب پیروزی در سوریه داخل کشور خود و جمهوری‌های وابسته به خود است. سرنگونی جت مسافربری در شبه جزیره سینا در مصر که داعش آن را بر عهده گرفت، یک نوع اعتراض به حمایت‌های مسکو از نظام اسد است (Chance, 2016). طبیعتاً روسیه نیز برای جلوگیری از توسعه این تهدیدها تدابیری می‌اندیشد. چرا که با وجود فاصله کمتر از ۱۰۰۰ مایل فاصله دمشق با ماخاچکلا واقع در جمهوری داغستان بر بعد تهدید آمیز بودن این گروه برای مسکو افزوده است و برای جلوگیری از گسترش این افراطی‌گری در حوزه نفوذ خود به ویژه در قفقاز شمالی با سوریه و سایر کشورهای مسلمان این منطقه (سوریه- ایران) همکاری کرده و سعی در ساقط کردن آن‌ها را دارد (کیانی و خانمحمدی، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۶). برای رسیدن به همکاری ذکر شده مهم‌ترین بحثی که روسیه در زمان پوتین بر آن تاکید می‌کند مبارزه با تروریسم است. با این اصطلاح مسکو در صدد است که این کشورها را برای پیوستن به سازمان‌های همکاری دسته جمعی قوی‌تر کند و از هرگونه دخالت خارجی در این مناطق جلوگیری کند. چرا که نفوذ و توسعه هرگونه قوم‌گرایی در خارج نزدیک باعث تاثیر بر مسلمانان این منطقه می‌شود و این موضوع ممکن است به تهدیدی جدی برای رابطه بین دولت

روسیه و مسلمانان در فدارسیون این کشور شود و به گسترش افراطی گری و نامنی منجر شود (کولایی و تقوایی، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۶۵).

چرا که بسیاری از این کشورها که مسکو آن‌ها را به عنوان خارج نزدیک می‌خواند دارای بنیه اقتصادی ضعیف و به دنبال آن از آمار بیکاری چشم‌گیری برخوردارند. نظام حاکم این کشورها توانایی لازم برای مبارزه با این گروه‌هایی که به داعش یا القاعده پیوستن را ندارند این مسئله باعث می‌شود که افراد زیادی از این کشورها به دلیل فقر فرهنگی به گروه‌های افراط‌گرایی مذهبی بپیوندند. برای نمونه جنبش اسلامی ازبکستان (İmu) به عنوان یک گروه افراطی مذهبی در آسیای مرکزی مشغول فعالیت است. این گروه که در آسیای مرکزی به «حزب اسلامی ترکستان» معروف است به یک گروه وابسته به القاعده تبدیل شده و امروزه نیروهای آن با داعش بیعت کرده‌اند. حزب اسلامی ترکستان هدف خود را اجرای شریعت در سراسر آسیای مرکزی اعلام کرده و فعالیت خود را با هدف اجرای شریعت در مناطقی همچون قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان گسترش داده است (Périer, 2017). بنابراین روسیه از چنین مسائلی احساس خطر می‌کند چرا که اتحاد حزب اسلامی ترکستان با داعش که در عراق و سوریه مشغول به فعالیت تکفیری‌اند. در صورت پیروزی آن‌ها در کشورهای فوق، قفقاز و آسیای میانه از گزند آن‌ها مصون نخواهد بود. همان‌جایی که برای روسیه از اهمیت ژئوپلیتیکی فراوانی به دلیل دارا بودن منابع غنی نفت و انرژی برخوردار است. به همین دلیل روسیه تمام قد در سوریه وارد شده است تا داعش را در همان جا زمین‌گیر کند.

۳- یکجانبه‌گرایی آمریکا و استراتژی مسکو

خلا جهان بینی پس از فروپاشی شوروی با دکترین‌های جهان بینانه پر شد. مهم‌ترین دکترین در این زمینه اوراسیاگرایی لئون دوگینی است. این نظریه نه تنها به یکپارچه سازی شوروی اعتقاد دارد بلکه بر این باور است که با این اقدام می‌توان از قدرت شوروی سابق فراتر رفت و قدرتمند تر شد. با توجه به تاثیر پذیری مسکو از تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این دکترین به شکل قاطع تر توسط دولتمردان این کشور دنبال شد و باعث شد که در ابعاد و موضوعات مختلف با غرب به رهبری آمریکا با تنش‌های جدی مواجه شود. چراکه این کشورها در صدد هستند روسیه را در تنگنای ژئوپلیتیک قرار داده و از قدرت‌گیری مجدد آن جلوگیری کند. نمونه تنش ذکر شده بین روسیه و این کشورهای رقیب در الحاق کریمه به روسیه و فعالیت قاطع مسکو در خاورمیانه قابل مشاهده است (علی حسینی و آئینه‌وند، ۱۳۹۴: ۱۳۲). بنابراین با روی کار آمدن رئیس جمهور پوتین در این کشور اوراسیاگرایی در سیاست خارجی مسکو به گونه قاطع دنبال شد. مسکو با دیدار با رهبران جنبش فتح و حماس سال ۲۰۱۱ و همچنین ملاقات با جبهه دموکراتیک فلسطین و حمایت از آن برای تشکیل یک کشور مستقل و دیدار با حزب‌الله لبنان در ۲۸ آوریل ۲۰۱۳ علاقه خود را برای ایجاد موازنه در خاورمیانه

از طریق همکاری با کشورهای مهم این منطقه از جمله ترکیه و ایران نشان داد. همکاری با کشورهای خاورمیانه در دو بعد امنیتی و اقتصادی یا به عبارت دیگر انرژی برای مسکو حائز اهمیت است. از دیدگاه دولتمردان روسیه خاورمیانه دارای امتیازهای جهانی، منطقه‌ای و سیاسی بوده و در صدد هستند که با فعالیت در این منطقه از نفوذ رقبای (غربی به رهبری آمریکا) با ایجاد موازنه و افزایش نفوذ و همکاری با کشورهای این منطقه کاهش دهند (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۴).

با شروع جنگ داخلی در سوریه آمریکا سعی کرد که از مجرای قانونی چون محکوم کردن این کشور در استفاده کردن از سلاح شیمیایی در صدد ساقط کردن این رژیم برآمد. تا با روی کار آوردن دولت همخوان با سیاست خارجی خود این کشور را در مجموعه متحدین عربی خود در منطقه درآورد. اما با وتوی این قطعنامه در شورای امنیت توسط روسیه این طرح آمریکا با شکست مواجه شد و این یکی از مهم ترین رویارویی دو کشور در دوران ریاست جمهوری پوتین بود (موسوی شفائی و بازگرد، ۱۳۹۴: ۳۹۰-۳۸۷). چرا که رئیس جمهور پوتین معتقد بود که قدرت روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی بیش از اندازه کاهش یافته است او می‌خواهد که در مورد سه پرونده مهم سپر دفاع موشکی ناتو، هرج و مرج در افغانستان و بن بست در سوریه در مقابل غرب بایستد. روسیه امیدوار است که جامعه بین‌المللی سیاست‌ها آن را درک و به آن توجه کند. بالاتر از همه روسیه امنیت ملی خود را در خطر می‌بیند. بر این مبنای امیدوار است که آمریکا در سیاست‌های خود در ناتو که بر محور ضد روسی استوار است و مفهومی به جز محاصره موشکی روسیه ندارند و امنیت ملی روسیه را به خطر می‌اندازد تجدید نظر کند (ابوالحسن شیرازی و بهبودی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱).

اما آنچه که به رئیس جمهور پوتین قدرت بیان این اهداف را داد بهای انرژی بود که با توجه به درآمد حاصله از این منبع به بازسازی ساختار نظامی خود پرداخت. این موضوع اگرچه به نفع خود مسکو ختم شد اما آمریکا به این اقدامات واکنش نشان داد که نمونه آن مذاکره کردن با لهستان و جمهوری چک برای استقرار سامانه موشکی و همچنین حمایت از معترضین در سوریه با شروع بحران در این کشور است. در قبال این واکنش‌ها دولتمردان روسیه به ویژه رئیس جمهور پوتین اظهار داشت که استقرار این سامانه نه تنها کمکی به این کشور نمی‌کند بلکه غیر قابل قبول است. و این کشور نیز با آذربایجان برای استقرار ادار قبله وارد مذاکره شده تا هم نیت آمریکا را مبنی بر مبارزه با تروریسم در خاورمیانه را مورد آزمایش قرار دهد همچنین از برنامه آمریکا در این منطقه که توازن بین طرفین را به نفع خود تغییر می‌دهد جلوگیری کند. رادار ذکر شده تمام اجسام موجود در فضای خاورمیانه و شمال آفریقا که مناطق حیاتی سیاست خارجی مسکو به شمار می‌رود را گزارش می‌کند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۷). این اقدامی بود که رئیس جمهور پوتین برای گسترش نفوذ همه جانبه

خود انجام داد اما با حمله موشکی آمریکا به سوریه تنش بین طرفین آشکار تر شد که به توضیح آن می‌پردازیم.

در این چارچوب حمله موشکی آمریکا به سوریه، مسکو به همراه متحدین منطقه ای خود اظهار داشتند که این حملات نقض حقوق بین‌المللی است و آن‌ها نیز حمایت‌های خود را از دولت سوریه بیشتر می‌کنند. همچنین حضور نیروهای آمریکا در شمال سوریه را غیر قانونی می‌دانند و این را یک برنامه بلند مدت برای اشغال این کشور محسوب می‌کنند (Farmer&Rayner,2017). برای توجیه این عمل مقامات آمریکایی بر این اعتقاد بودند که دولت بشار اسد علیه شورشیان از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده و آن را نقض کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های شیمیایی می‌دانستند و اعتقاد دارند که برنامه‌های گذشته شورای امنیت برای ساقط کردن دولت سوریه و حل این بحران شکست خورده است. در این مورد وزیر امور خارجه آمریکا، رکس تیلرسون^۱ بیان کرد که "این حمله یک تغییر در سیاست و وضعیت ما در سوریه است". وی بیان داشت که دولت سوریه در هفته‌های اخیر چند بار دست به حمله شیمیایی و استفاده کردن از گاز سارین از طریق پایگاه هوایی خود زده است و واکنش آمریکا پاسخ مناسبی به این اقدام دولت سوریه است (Starr&Diamond,2017). همچنین مقامات آمریکایی در توجیه این اقدام اعلام کردند که تمام تلاش‌های انجام شده در طول سال‌های قبلی برای تغییر رفتار رئیس‌جمهور اسد با شکست مواجه شده و این بحران امنیت منطقه و بخصوص حقوق شهروندان این کشور را نقض کرده است.

علاوه بر آن، رئیس‌جمهور ترامپ بیان کرد که بحران پناهندگان به تعمیق بی‌ثبات کردن منطقه و تهدید متحدان آمریکا در منطقه گردیده است. آقای مک‌مستر^۲ نیز گفت، ارتش آمریکا همچنان به دنبال "به حداقل رساندن خطر" به شهروندان سوریه و ارتش روسیه که امکان حضور آن‌ها در این منطقه وجود دارد است (Michael r. gordon, Et al,2017). این اقدام آمریکا واکنش‌های متعددی را به دنبال داشت از یک طرف متحدان عربی و غربی و همچنین رژیم اشغال‌گر قدس در صدد توجیه این اقدام برآمدند. و از طرف دیگر روسیه و ایران این اقدام را غیر قانونی دانستند.

مقامات روسیه در مقابل این اقدام آمریکا کشتی‌های جنگی خود را از طریق تنگه بسفر و به منظور محافظت از سواحل سوریه به این منطقه انتقال دادند. همچنین ضمن محکوم کردن این اقدام حمایت‌های خود را از دولت سوریه بیشتر کرده و به بهبود بخشیدن به سیستم‌های دفاعی و هوایی این کشور واکنش خود را به این اقدام نشان دادند. برخی از مقامات روسیه به عنوان نمونه، دیمیتری

1. Rex Tillerson

2. McMaster

مدودف^۱ اظهار کرد " این حمله هوایی اخیر واشنگتن به سوریه اعتماد اولیه مسکو را سلب کرده و امکان در گیری نظامی در منطقه را افزایش داده است." همچنین دیمیتری پسکوف^۲ سخنگو ولادیمیر پوتین^۳ اعلام کرد: "این اقدام خسارت سنگینی به رابطه مسکو و واشنگتن زده و همچنین حمله به یک کشور مستقل است. و نیز برای منحرف کردن اذهان جهان در مقابل کشتار مردم در عراق می‌باشد". (Alexander, 2017).

علاوه بر بیانات فوق پس از این حمله موشکی ویکتور اوزرو^۴ از اعضا مجلس سنا روسیه بیان کرد " این حمله هوایی آمریکا به سوریه حمله به یک عضو سازمان ملل است و در جلسات اضطراری تشکیل شده درباره این اقدام در شورای امنیت مسکو آن را به صورت جدی مطرح خواهد کرد" همچنین آندری کراسنف^۵ معاون اول رئیس کمیته دفاع روسیه اظهار کرد " اقدام آمریکا و حمله به پایگاه هوایی سوریه یک اقدام بی پروا و غیر مسئولانه است که باعث گسترش بی ثباتی در شرق میانه و بالا بردن امکان درگیری نظامی در این منطقه است". در واکنش به این اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا روسیه را به "همدستی" و "بی‌کفایتی" در جلوگیری از حملات شیمیایی در سوریه متهم کرد. وزیر امور خارجه روسیه نیز به این اقدام واکنش نشان داد و بیان کرد " این اقدام واشنگتن یادآور حمله مشترک انگلیس و آمریکا به عراق است که به بهانه داشتن سلاح کشتار جمعی دولت عراق به این کشور حمله کرده و رضایت شورای امنیت را به دست آوردن" و سناتور کنستانتین^۶ در ادامه بیانات لاوروف^۷ بیان کرد " این اقدام بی پروای آمریکا امکان یک ائتلاف برای مبارزه با داعش با این حملات به حداقل ممکن رسیده است". با این اوضاع و با توجه به اظهارات دولت مردان روسیه امکان درگیری بین دو کشور را مسئولین مسکو بیان کردند و تفاهم‌نامه‌ای که بین مسکو و واشنگتن بای ایجاد امنیت هوایی در سوریه ایجاد شد از طرف روسیه به حالت تعلیق در آمد (Durden, 2017).

اما ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که با روی کار آمدن دولت ترامپ به سیاست‌های او باما بدلیل هماهنگی و همکاری نکردن با روسیه در جهت مبارزه با داعش انتقادهای زیادی شد. بنابراین نخبگان نظامی و سیاستمداران این دولت جدید خواستار شدند که همکاری فوری با مسکو برای حمله هوایی

1. Dmitry Medvedev

2. Dmitry Peskov

3. Vladimir Putin

4. Victor Avzrv

5. Andrei Krasnf

6. Senator Constantine

7. Sergei Lavrov

مشترک به مواضع این گروه تروریستی لازم است (Taylor&Muñoz,2016). بنابراین با وجود اختلاف نظرهایی که بین دو کشور در حمله موشکی آمریکا به سوریه به وجود آمد امکان همکاری بین طرفین در مبارزه با داعش با توجه به منطقه سیاست خارجی قدرتهای بزرگ وجود دارد. چرا که تعریفی که اوراسیاگراها در سیات خارجی روسیه دارند با تعریف آتلانتیک‌گراها فرق می‌کند. اوراسیاگراها بر این اعتقادند که روسیه یک کشور آسیایی و اروپایی است و نمی‌توان آن را مختص به آسیا یا اروپا دانست. چرا که آسیایی یا اروپایی دانستن این کشور به طور مطلق باعث می‌شود که سیاست خارجی مسکو در حاشیه قرار گیرد و برای رهایی از این خطر امروزه از ارتباط داشتن با آمریکا، اروپا، ژاپن و ایران حمایت می‌کنند(بهرامی مقدم و ستوده، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۳).

با وجود دو طیف شرق‌گرا و غرب‌گرا در دستگاه سیاست خارجی مسکو، سیاست گامی به سوی شرق و گامی به سوی غرب مورد توجه روسیه امروزی است. این سیاست گامی به سوی غرب نشأت گرفته از دیدگاه واقع‌بینانه دولتمردان این کشور از جایگاه امروزی مسکو در نظام بین‌الملل و دیدگاه یا سیاست گامی به سوی شرق نشأت گرفته از جایگاه روسیه در اوراسیا است. به همین دلایل است که با وجود اختلاف نظر و تنش با غرب در مناطق مختلف به ویژه در آسیای مرکزی و خاورمیانه همواره در صدد همکاری و ارتباط نیز هستند(ابراهیمی و ببری، ۱۳۹۵: ۱۰-۹). در مقابل این اندیشه اوراسیا گراها در سیاست خارجی روسیه، آمریکا نیز در تلاش است که مسکو روندی را در سیاست خارجی خود دنبال کند که به همکاری هرچه بیشتر با دنیای آزاد و کشورهای لیبرال بینجامد. همچنین روسیه با توجه به امتیازهایی که با ارتباط داشتن با غرب بخصوص آمریکا به دست می‌آورد قدرت خود را به عنوان یک دولت بزرگ که با فروپاشی شوروی تنزل یافته است مجدداً احیاء و بازسازی کند(دانش‌نیا و ماری، ۱۳۹۴: ۲۴۱-۲۴۰).

این اختلاف نظرها که باعث تنش مجدد بین روسیه و آمریکا در بحران سوریه شد می‌تواند یک تاثیر ویژه بر سیاست خارجی طرفین داشته باشد. اما این نکته را نیز باید مورد توجه قرار دهیم که دو کشور به رغم منافع بسیار زیادی که در خاورمیانه و کشورهای نفت خیز این منطقه دارند ادامه دادن هرگونه بحران باعث به خطر افتادن امنیت انرژی طرفین می‌شود. مزید بر این مهم از آنجا که مهم ترین هدف واشنگتن برای گسترش نفوذ خود در خاورمیانه تامین امنیت رژیم اشغالگر قدس است هرگونه دولت اسلام‌گرای افراطی که باعث گسترش عملیات‌های تروریستی در منطقه می‌شود باعث به خطر افتادن امنیت این رژیم می‌شود. چرا که اندیشه ناسیونالیسم عرب و یا همان پان عربیسم در مقابل این تجاوزات رژیم صهیونیستی واکنش نشان می‌دهند و چه بسا با این کشور وارد جنگ شوند. مسکو نیز با توجه به مطالبی که قبلاً توضیح داده شد برای جلوگیری از این اندیشه افراطی یا به عبارت دیگر برای ساقط کردن این گروه‌های تروریستی وارد میدان نبرد در سوریه با آن‌ها شده است.

جدا از اهداف اقتصادی موجود برای روسیه جلوگیری از سرایت این افراطی‌گری در مناطق مسلمان نشین مسکو و همچنین در جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی سابق از مهم‌ترین اهداف کرملین به حساب می‌آید. با توجه به وضع موجود هرگونه اختلاف نظر بین طرفین باعث ادامه بحران می‌شود. این نکته نیز مورد توجه خود دولتمردان دو طرف نیز هست.

۴- ارتقای جایگاه بین‌المللی

چند سالی است که روسیه پس از عبور از یک دوره گذار و فائق آمدن بر مشکلات و تنگناهای اقتصادی، و نیز دستیابی به نظم و ثبات داخلی، خود را در شرایط یک "قدرت درحال بازسازی" و تجدید حیات می‌بیند. روسیه در این شرایط می‌کوشد، تا بار دیگر جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل باز یابد؛ تمایلی که آن را باید گرایش تاریخی در فرهنگ سیاست خارجی روسیه قلمداد کرد. در این میان، دو عامل مهم اقتصادی و سیاسی موجب شده‌اند، تا این گرایش تاریخی، در رفتار کنونی سیاست خارجی روسیه، تجلی بیشتری بیابد:

بروکینگز کلیفورد^۱ اعتقاد دارد که اگر قیمت هر بشکه نفت روسیه یک دلار اضافه شود ۱/۵ تا ۲ میلیارد دلار به درآمد ملی این کشور افزوده می‌شود لذا با افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۱ اقتصاد مسکو رشد چشمگیری داشت و در این سال شرکت‌های نفتی روسیه با افزایش تولید نفوذ بین‌المللی خود را کسب کرده و با حفاری‌هایی که در کشورهای الجزایر و سودان و لیبی انجام دادند به میزان درآمدهای خود افزودند. با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۱ و ایجاد ابزارهای نظارتی و ثابت کردن نرخ مالیات به میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این کشور افزوده شد و به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده انرژی در جهان تبدیل شد (Hill, 2002). اگرچه امروزه عناصر قدرت یک کشور بیشتر متأثر از دارا بودن سرمایه نیروی کار خلاق و فناوری اطلاعاتی ارتباطاتی پیشرفته است و اهمیت سرزمین و جغرافیا کاهش نسبی یافته است؛ اما برای قدرت‌های برتر و بزرگ سیطره بر سرزمین‌های ثروتمند که منابع زیرزمینی مهمی همچون نفت و گاز دارند و در عین حال شرایط سرمایه‌گذاری در آنجا مهیاست و از نظر استراتژیک نیز دارای اهمیت هستند می‌تواند جایگاه یک کشور را در نظام بین‌الملل، ارتقا دهد و یا تثبیت کند.

بنابراین یکی از اهداف سیاست خارجی جدید روسیه "تحکیم موقعیت روسیه به عنوان یکی از پرنفوذترین مراکز جهان" است. لذا مشارکت فعال در بحران سوریه به رغم اقتصاد ضعیف تلاشی جدید برای رسیدن به این مهم خواهد بود. روسیه استفاده از نیروی نظامی را به عنوان یک روش برای بیرون آمدن از انزوای بین‌المللی می‌داند و با استفاده کردن از این نیروها در جنگ سوریه می‌خواهد

1. Brvkyngzkyfvrđ

نشان دهد که جایگاه بین‌المللی روسیه متفاوت از گذشته است و برای حل این بحران حضور مسکو لازم است (shtpa,2017). اقدامات روسیه در بحران سوریه نیز جدا از مطالب فوق، به اقداماتی بر می‌گردد که باعث ایجاد یک چهره منفی برای این کشور در بین اعراب و مسلمانان این منطقه شد. اقداماتی نظیر حمایت مسکو از صربستان در خصوص مناطق بوسنی و کوزوو و همچنین همراهی این کشور با آمریکا برای سرنگونی رژیم طالبان باعث شد که در بین اکثر کشورهای مسلمان نفوذ خود را از دست بدهد. اما با تغییر رویکرد این کشور مبنی بر ایجاد یک پرستیژ بین‌المللی، مسکو با اعلام مخالفت خود در جنگ آمریکا با عراق و جدا کردن راه خود از این کشور در مبارزه با تروریسم در صدد بر آمد که خود را مدافع مسلمانان و اسلام معرفی کرده و با این کشورها رابطه حسنه داشته باشد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵).

بنابراین مسکو با این تغییر چهره دادن در خاورمیانه و در کشورهای عربی و مسلمان با دخالت کردن در این بحران به دنبال این است که خود را بار دیگر وارد سیاست جهانی کند. با انجام این کار با توجه به بحران پیش آمده در اوکراین قدرت مانو خود را در برابر غرب افزایش داده و پرستیژ خود را آن‌گونه که سیاستمداران این کشور درصدد آن هستند را افزایش داده و آمریکا را نیز متوجه این موضوع می‌کند که حل بحران‌های بین‌المللی به حضور روسیه نیازمند است. چرا که با حملات هوایی موفق که در سوریه داشت با امتیازی برابر با آمریکا در مذاکرات شکل گرفته برای حل بحران حاضر شد (کولایی و سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۶). اگر از منظر ژئوپلیتیکی به این اقدامات روسیه و نقش آفرینی مسکو در صحنه خاورمیانه نگاه کنیم، دخالت نظامی روسیه می‌تواند جایگاه این کشور را در جهان احیاء کرده و غرب را به پذیرش ملاحظات مسکو در مسائل مختلف جهانی وادار کند. به این ترتیب برخی استدلال می‌کنند روسیه در پای میز مذاکره با رقبای غربی قادر به کسب امتیازات بیشتری خواهد بود. درباره این حضور نظامی باید به یک نکته کلی توجه کرده و دقت داشته باشیم که این نخستین بار است که مسکو نیروهای نظامی خود را به منطقه ای فراتر از اوراسیا و کشورهای حوزه آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی یا به عبارتی کشورهایی که در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی سابق حضور داشتند، اعزام کرده و این نکته مهمی محسوب می‌شود.

پیش از این روس‌ها از نیروهای نظامی خود در بحران‌های منطقه ای نظیر اوکراین و گرجستان استفاده کرده بودند. اما به نظر می‌رسد که با حضور در منطقه ای فراتر از اوراسیا، مسکو قصد دارد این پیام را به غرب ارسال کند که روس‌ها می‌توانند به عنوان یک قدرت فرا اوراسیایی نیز در نظام بین الملل ایفای نقش کنند. در واقع، مسکو قصد دارد خود را به عنوان یک قدرت جهانی در نظام بین الملل تثبیت کند. نگاهی اجمالی به کارنامه روسیه در سال‌های گذشته، نشان از آن دارد که در برخی زمینه‌ها همانند، افزایش توان تولید و صادرات نفت و گاز، ارتقاء توانمندی‌های نظامی و

راهبردی به توفیقات خوبی رسید تا جایی که امروزه خود را به عنوان یک ابر قدرت جهانی معرفی می‌کند. با براندازی نظام‌های همسو با سیاست خارجی مسکو در خاورمیانه که چیزی در حدود چهل درصد انرژی دنیا در این منطقه وجود دارد و روی کار آمدن دولت‌های همسو با غرب و همچنین کاهش وابستگی کشورهای که انرژی خود را از روسیه خریداری می‌کنند موقعیت مسکو را به عنوان یک ابر قدرت با خطری جدی مواجهه می‌کند.

نتیجه‌گیری

روسیه در بحران سوریه برای اولین بار بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به اقدامات نظامی خارج از مرزهای خود دست زد. لذا این پژوهش بر مبنای این فرضیه که مسکو در بحران سوریه در صد تامین امنیت مرزهای خود ناشی از فعالیت گروه‌های تروریستی که از جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز عضو گیری کردند، مبارزه با یکجانبه گرایی آمریکا، افزایش جایگاه و قدرت پرستی بین‌المللی خود در نظام بین‌الملل و حفظ روابط تجاری و اقتصادی خود با سوریه انجام شد و نتایج به دست آمده بیانگر تایید فرضیه می‌باشد. با فعالیت گروه‌های معارض در بحران سوریه، هر کدام از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صد برآمدند که منافع خود را از راه‌های گوناگونی تامین کنند. آمریکا به همراه متحدان منطقه‌ای خود در بحران مذکور با استفاده کردن از نیروهای معارض در سوریه به دنبال براندازی دولت کنونی سوریه و روی کار آمدن یک دولت همخوان با سیاست خارجی خود بودند. با انجام این مسئله و یا به عبارت دیگر عملی شدن استراتژی‌های آمریکا و متحدان آن روسیه در یک بن بست ژئوپلیتیکی قرار می‌گرفت.

لذا مسکو برای جلوگیری از این مسئله به درخواست دولت قانونی سوریه وارد این بحران به شکل نظامی شد. چرا که با براندازی دولت سوریه و روی کار آمدن دولت دست‌نشانده غرب و متحدان منطقه‌ای آن قدرت مانور روسیه در منطقه با خطر جدی مواجه می‌شد. جدا از کم شدن قدرت مانور مسکو با قدرت گیری معارضین در سوریه سرمایه‌گذاری‌هایی که مسکو در این کشور در زمینه‌های مختلفی انجام داده بود نیز در محرض خطر قرار می‌گرفت. و در ادامه با توجه به عضوگیری این نیروهای معارض از جمهوری تازه استقلال یافته روسیه با بازگشت نیروهای مذکور امنیت آن‌ها با خطری جدی مواجه می‌شد. لذا برای جلوگیری از این مسئله مسکو با تقویت ارتش سوریه و ایجاد ائتلاف با کشورهای قدرتمند منطقه از جمله ایران به مقابله با نیروهای معارض پرداخت. روسیه امروزه در منطقه به دنبال احیای قدرت اتحاد جماهیر شوروی از طریق تعریف منافع خود می‌باشد این موضوع باعث شد که در مقابل قدرت‌های غربی به رهبری آمریکا ایستادگی کند زیرا آمریکا هرگز از احیای قدرت شوروی خوشحال نخواهد شد. لذا در این بحران آمریکا از طریق حمایت کردن از نیروهای تروریستی به دنبال کاهش هرچه بیشتر روسیه در این کشور بود. دولتمردان مسکو نیز در

مقابل این زیاده‌خواهی آمریکا واکنش نشان دادند. به همین منظور بود که با حمله نظامی و شلیک موشک آمریکا به فرودگاه سوریه، مسکو این اقدام را خلاف قانون بین‌الملل و نقض حقوق بشر اعلام کرد.

آنچه که در این پژوهش با آن دست یافتیم به این منوال بود که قدرت‌نمایی روسیه در بحران سوریه باعث شد که مسکو چهره مخدوش شده خود را که به دلیل حمایت از آمریکا در افغانستان در بین مسلمانان را بهتر کند. همواره با این عمل ارتباط و همکاری خود را با کشورهای مهم منطقه برای داشتن روابط تجاری و اقتصادی و همچنین در زمینه انرژی بهتر و جدی‌تر کرده و با توجه به عقب‌نشینی تقریبی که با روی کار آمدن اوباما در آمریکا، که در خاورمیانه واشنگتن انجام داد روسیه در تلاش است که موقعیت خود را در منطقه بهتر کند.



منابع

- ابوالحسن شیرزای حبیب الهه (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۵۴-۹.
- ابوالحسن شیرزای حبیب الهه، بهبودی نژاد قدرت الله (۱۳۹۵)، «تغییر رویکرد پوتین در سیاست خارجی نوین روسیه»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۱، ص ۱۷-۱.
- ابراهیمی شهروز و بربری نیکنام (۱۳۹۵). «روسیه و ناتو؛ شراکت استراتژیک تا رقابت استراتژیک»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۶، ص ۲۴-۱.
- دهشیری محمد رضا، جوزانی کهن شاهین (۱۳۹۴)، «شبکه سلول های تروریستی در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۴، ص ۶۳-۲۹.
- دانش نیا فرهاد و مارابی مهری (۱۳۹۴). «تقابل سازه‌نگارانه آمریکا و روسیه در اوکراین»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۲۴۸-۲۳۱.
- زرگر افشین (۱۳۹۲). «مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۲، ص ۸۰-۵۳.
- کولایی و سلطانی نژاد (۱۳۹۵) «علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره سوم، ص ۱۳۵-۱۱۵.
- کیانی داوود و خانمحمدی زهره (۱۳۹۲). «واکاوی علل حضور روسیه در بحران سوئیه»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌دوم، شماره ۶۹، ص ۱۱۴-۸۷.
- کولایی الهه و تقوایی احسان (۱۳۹۲). «اهداف و دستاورد روسیه از ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست دوم، شماره ۶۸، ص ۱۷۹-۱۵۹.
- کوشکی محمد صادق و طاهری بزی (۱۳۹۳). «حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، ص ۶۲-۴۳.
- کریمی مله علی، گرشاسبی رضا (۱۳۹۴)، «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۷۹-۱۵۵.
- علی حسینی علی و آئینه وند حسن (۱۳۹۴) «تجزیه و تحلیل تاثیر اندیشه نئو اوراسیاگرایی بر سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین ۲۰۱۴»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۲، صص ۱۶۵-۱۳۱.
- موسوی شفائی مسعود و بازگرد محمد تقی (۱۳۹۴). «راهبرد گسترش نفوذ در سیاست خارجی پوتین»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۳۹۴-۳۷۷.

• هدایتی شهیدانی، مهدی و پینکفتسف، رمان ولادیمیرویچ (۱۳۹۴) الگوهای رفتاری روسیه و آمریکا در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، مطالعه موردی بحران سوریه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، ۶۱-۸۵.

منابع لاتین

- AlexanderHarriet (2017), «US strikes on Syria: Xi Jinping told Donald Trump he understood the US response ‘because of the death of children’», Availableat: <http://www.telegraph.co.uk/news/2017/04/07/us-strikes-syria-tensions-rise-russia-warns-damage-ties-washington>.
- Anna Litvina(2017), «Russian companies preferred to work in Syrian oil and gas sector» , Availableat: <https://realnoevremya.com/articles/1186-russian-companies-preferred-to-work-in-syrian-oil-and-gas-sector>.
- Adomains,Mark(2013), Is Russia Supporting Syria Because It ‘Needs The Money?’, AvailableAt: <Http://Www.Forbes.Com/Sites/Markadomanis/2013/09/07/Is-Russia-Supporting-Syria-Because-It-Needs-The-Money>.
- Bjorn Falcon (2016). «Russia’s economy interests behind its risky military move in Syria »Availableat: <https://informnapalm.org/en/russia-s-economy-interests-behind-risky-military-move-syria>.
- Ben Farmer& Gordon Rayner(2017), «Syria crisis: Russia raises prospect of war ifit is given G7 ultimatum as it mocks Boris Johnson’s no-show», Availableat: <http://www.telegraph.co.uk/news/2017/04/08/borisjohnsonsppearheaddiplomatrive-get-russian-forces>.
- Chance Matthew(2016), «What does Russia want in Syria? 5 reasons Putin backs Assad »Availableat: <http://edition.cnn.com/2016/02/08/middleeast/syria-aleppo-russia-strategy>.
- CalcuttawalaZainab(2017),«How Russia Is Using Oil Deals To Secure Its Influence InTheMiddleEast»,Availableat:<http://oilprice.com/Energy/EnergyGeneral/HowRussia-Is-Using-Oil-Deals-To-Secure-Its-Influence-In-The-Middle-East.html>.
- Durden Tyler(2017),«Putin Responds: Syria Strikes “Cripple US-Russia Relations” ;DeploysMissileWarshipToSyria», Availableat:<http://www.zerohedge.c/ews/2017-04-07/putin-responds-syria-strikes-cripple-us-russia-relations-deploys-cruise-missile-frig>.
- Faysal Itani, Hossam Abouzahr(2016),«Lessons from Russia’s Intervention in Syria», Availableat: <https://www.newsdeeply.com/yria/community/2016/11/01/lessons-from-russias-intervention-in-syria>.

- Guy Taylor and Carlo Muñoz(2016), «Donald Trump’s atk of teaming with Russia against Islamic State draws pushback on Hill», Availableat: <http://www.washingtontimes.com/news/2016/nov/15/trumps-talk-of-teaming-with-russia-against-isis-dr>.
- HillFiona(2002), «Russia: The 21st Century’s Energy Superpower?», Availableat:https://www.brookings.edu/articles/Russia-the-21st-century-energy-superpower.
- Michael r. gordon, et al(2017), «Dozens of U.S. Missiles Hit Air Base in Syria», Availablein : <https://www.nytimes.com/2017/04/06/world/middleeast/us-said-to-weigh-military-responses-to-syrian-chemical-attack.html?mcubz=1>.
- McBride Jessica (2017),«Russia Warns of ‘Negative Consequences’ Over Trump Syria Attack», Availableat: <http://heavy.com/news/2017/04/russia-putin-response-trump-syria-attack-world-war-three-3-bombing-missile-deaths-assad-warning>.
- Rosenberg, Steve (2017) «Why Russia sells Syria arms »Available at: <http://www.bbc.com/news/world-europe-18642032>.
- Shuster Simon(2016),«How the Russian Fighters of ISIS Became a Terror Threat in Turkey», Availableat: <http://time.com/4390090/istanbul-attack-russian-isis-militants>.
- Périer Jean(2017), «NEO – How come Central Asian States have become a Breedin gground for Terrorism», Availableat:<http://www.veteranstoday.com/2017/0e-central-asian-states-have-become-a-breeding-ground-for-terrorism>.
- Starr Barbara &Diamond Jeremy(2017), «Trump launches military strike against Syria», Availablein : <http://edition.cnn.com/2017/04/06/politics/donald-trump-syria-military/index.html>.
- shtpa Vadim(2017), «The illusion of a restored Russian superpower», Availableat:<http://www.ukrweekly.com/uwwp/theillusionofarestoredrussian-superpowe>.
- Shafiq Alam Mustafa (2017). «Russia’s Middle East Strategy during Trump’s Administration” .Availableat: <https://futureuae.com/enUS/Mainpage/Item/241/possible-scenarios-russias-middle-east-strategy-during-trumpsadministration>.